



۳/۱۲۴



۱۳۷۹ / ۸ / ۸

دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

ایالات متحده آمریکا و جنگ ایران و عراق

نگارش:

خیرالله ایزدی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ابومحمد عسگرخانی

۰۸۷۴۷

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر یوسف مولایی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین الملل

شهریور ۱۳۷۹

۳۱۸۲۴

تقدیم به؛

پدر عزیزم شهید محمد ایزدی

و آنها که مردانه جنگیدند و مظلومانه به شهادت رسیدند؛

کریمانی که ایران به لطف حماسه ایشان سرفراز خواهد

ماند تا ابد.

و تقدیم به؛

مادر صبور و مهربان و همسر عزیزم.

تقدیر و تشکر

«ن والقلم و ما یسطرون»

بنام آنکه قلم را آفرید و بر مایسترونش سوگند نهاد و بنام آنکه از قلم بهره داد و بر ما راه هدایت آموخت.

و اما پژوهش حاضر تلاشی است پیرامون روند سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق که نگارنده با استفاده از راهنماییهای ارزنده جناب آقای دکتر عسگرخانی و مشورت‌های جناب آقای دکتر مولایی موفق به تهیه و تدوین آن گردیده است. از اینرو پیش از هر گفتاری از این اساتید گرامی که در طول تمامی این پژوهش همواره راهنما و مشوق من در انجام این امر بودند تشکر و تقدیر می‌نمایم. در این مقام حق ناسپاسی است اگر از اساتید محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که در طی این مدت خالصانه زحمت آموزش و تحصیل اینجانب را متقبل گردیده‌اند، ذکری به میان نیاورم. بهر حال امیدوارم این اساتید گرامی و تمامی کسانی که با شمع وجود خویش روشنایی بخش وادی علم و معرفتند در پناه ایزد متعال همواره موفق و مؤید باشند.

در اینجا لازم است از همسر عزیز و مهربانم که با صبر و حوصله و متانت خویش در جهت تکمیل این پژوهش همراه و مشوق من بودند صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری نمایم. از زحمات مسئولین کتابخانه‌های دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی که مرا در نگارش این رساله یاری نمودند نیز تشکر می‌نمایم. به امید آنکه دست در دست هم بتوانیم میهن عزیز اسلامیمان را روز به روز در پهنه گیتی آبادتر، نیرومندتر و سربلندتر سازیم.

توفیق از خداست و امید همه ما به اوست

ایزدی - شهریور ۱۳۷۹

چکیده

در ابتدای شروع جنگ ایران و عراق ایالات متحده آمریکا سیاست بیطرفی اتخاذ نمود. ولی در عین حال مقامات امریکایی تأکید کردند که بیطرفی به معنی بی تفاوتی نسبت به جنگ و نتیجه آن نیست و ایالات متحده برای تضمین تداوم جریان نفت در مقابل تهدیدهای خارجی از نیروی نظامی استفاده خواهد کرد و در صورت درخواست کمک نظامی از سوی کشورهای منطقه به کمک آنها خواهد شتافت.

تازمانی که عراق در موقعیت برتر نظامی قرار داشت ایالات متحده سیاست بیطرفی خود را دنبال نمود. متعاقب انجام یک سلسله عملیات ها از سوی نیروهای ایرانی و آزاد سازی اراضی اشغالی در جنوب کشور نگرانی در بین کشورهای غربی و امریکا افزایش یافت و از اینکه ایران نه تنها از هم نپاشیده بود، بلکه با قدرت بیشتری پا به میدان گذاشته بود اظهار نگرانی میکردند. از این زمان به بعد ایالات متحده برای جلوگیری از سقوط صدام و پیروزی ایران در جنگ ضمن تقویت حضور نظامی خود در منطقه، حمایت از سیاست متحدان اروپایی خود از جمله فرانسه و انگلیس در زمینه تأمین تجهیزات نظامی عراق و تشویق کشورهای ثروتمند عرب منطقه به اعطای وامهای کلان به بغداد، همکاریهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی خود را با عراق افزایش داد و به حمایت همه جانبه از این کشور پرداخت و در فوریه ۱۹۸۴ روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سر گرفت.

در پی تصرف شهر بندری فاو از سوی نیروهای ایرانی در اوایل سال ۱۹۸۶ (بهمن ۱۳۶۴) و ناکامی عراق در شکست دادن ایران و اهمیت استراتژیک ایران (نگرانی ایالات متحده از مداخله شوروی در بحران جایگزینی که ممکن بود بدنبال درگذشت امام خمینی پیش آید) و همچنین یافتن کانالی ارتباطی برای حل مسئله گروگانهای امریکایی در لبنان، ایالات متحده در استراتژی خود تغییراتی ایجاد کرد و سعی در نزدیک شدن به جمهوری اسلامی ایران نمود. امریکا در دیپلماسی تحبیب خود نسبت به ایران ناکام ماند و با بدگمانی و بی اعتمادی شیوخ

عرب منطقه خلیج فارس روبرو شد. انتقاد شدید کشورهای عربی از ماجرای فروش اسلحه به ایران، فشار مداوم افکار عمومی آمریکا، آزاد نشدن کلیه گروگانهای آمریکایی که در بازداشت جهاد اسلامی لبنان بودند و پافشاری مقامات ایران بر حل اختلاف با عراق در میدانهای نبرد و پرهیز از حل سیاسی مسئله موجب گردید که دولت آمریکا بعد از افشای فروش مخفیانه اسلحه به ایران، نه تنها بر شدت جانبداری خود از عراق بیافزاید بلکه در برابر ایران روش خصمانه ای در پیش گیرد و عملاً در جنگ ایران و عراق بعنوان پشتیبان عراق، با ایران به نبرد نظامی بپردازد.

ایالات متحده آمریکا برای به زانو درآوردن ایران در پائیز ۱۹۸۷ و بهار ۱۹۸۸ حملات نظامی مستقیمی را علیه ایران تدارک دید و ضمن غرق نمودن قایقهای توپدار ایران و گلوله باران تأسیسات غیرنظامی در خلیج فارس، چندین سکوی نفتی کشورمان را منهدم نمود و به ناوهای جنگی ایران نیز خسارات زیادی وارد آورد. همزمان با اوج گیری بحران در خلیج فارس و تشدید درگیری بین ایران و آمریکا، عراق از فرصت بدست آمده استفاده نمود و با حملات گسترده زمینی و هوایی به همراه کاربرد وسیع سلاحهای شیمیایی، شهر فاو و سایر مناطق اشغالی را از نیروهای ایران بازپس گرفت و بدین ترتیب نیروهای ایرانی را از کلیه اراضی متصرفی در عراق بیرون راند. در بحبوحه حمله های پی در پی عراق فاجعه درد انگیز دیگری رخ داد که از نتایج شوم مداخلات آمریکا در خلیج فارس بود. در تاریخ ۳ ژوئیه/ ۱۹۸۸ (۶۷/۴/۱۳) ناو جنگی آمریکایی وینسنس یک فروند هواپیمای ایرباس مسافربری ایران را که از بندرعباس عازم دبی بود با پرتاب دو موشک در آبهای جزیره هنگام در خلیج فارس سرنگون کرد و کلیه مسافران و خدمه آنرا به طرز دلخراشی به شهادت رساند. بدین ترتیب زنجیره فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا علیه ایران تکمیل شد و بدنبال تضعیف موقعیت ایران در جبهه های جنگ سرانجام در تاریخ ۱۸ ژوئیه/ ۱۹۸۸ (۶۷/۴/۲۷) یعنی حدود یکسال پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ ایران این قطعنامه را پذیرفت و آتش بس موقت در جبهه ها برقرار شد.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه : طرح پژوهشی	
بهره اول	
فصل اول : کلیات	۱
بخش اول : نظریه‌ها	۲
الف) جنگ و نظریه‌های مربوط به آن	۲
۱ - جنگ و دیدگاه‌های تاریخی در خصوص علل آن	۲
(۱-۱) طرفداران ریشه‌های انسانی بروز منازعات و جنگ	۳
(۱-۲) ریشه‌های اقتصادی بروز جنگ	۶
۲ - جنگ از دیدگاه مکاتب واقع‌گرایی و آرمانگرایی	۹
(۲-۱) دیدگاه مکتب واقع‌گرایی	۹
(۲-۲) دیدگاه مکتب آرمانگرایی	۱۰
۳ - اندیشه کنت والتز درباره جنگ	۱۱
۴ - جنگ در نظام دوقطبی	۱۳
ب) نظریه سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل متحد	۱۳
بخش دوم : تاریخچه اختلافات مرزی ایران و عراق	۱۹
۱ - اختلافات مرزی ایران و عثمانی	۱۹
۲ - اختلافات ایران و عراق از ابتدای تشکیل دولت عراق تا پیروزی انقلاب اسلامی	۲۳
- بروز تنش در روابط ایران و عراق	۳۰

عنوان	صفحه
- زمینه‌های تحریک عراق	۳۶
الف) عراق و معضل ژئوپلیتیکی	۳۶
ب) وحشت از حرکت شیعیان	۳۷
ج) ایفای نقش ژاندارم در خلیج فارس	۳۷
د) رؤیای رهبری جهان عرب	۴۱
فصل دوم: عکس‌العمل‌ها و تلاش‌های بین‌المللی در جهت پایان جنگ	۴۳
۱- سازمان ملل متحد	۴۴
۲- سازمان کنفرانس اسلامی	۵۴
(۲-۱) بررسی دور اول فعالیتهای کمیته صلح اسلامی (IPC) از زمان تشکیل آن تا اجلاس چهارم سران در کازابلانکا	۵۵
(۲-۲) بررسی دور دوم فعالیتهای کمیته صلح اسلامی (از اجلاس چهارم سران در کازابلانکا تا اجلاس پنجم سران در کویت)	۵۷
۳- جنبش عدم تعهد	۶۵
۴- شورای همکاری خلیج فارس	۶۸
(۴-۱) در اوایل جنگ تحمیلی و همزمان با پیشروی نیروهای بعثی عراق در خاک جمهوری اسلامی ایران	۶۹
(۴-۲) پس از پیروزی‌های چشمگیر ایران تا کنفرانس مسقط	۷۰
(۴-۳) از کنفرانس مسقط تا عملیات والفجر ۸ - آزادسازی شبه‌جزیره فاو	۷۱
(۴-۴) آزادسازی شبه‌جزیره فاو (والفجر ۸) تا موافقت شورا با اسکورت نفتکشهای کویتی از سوی قدرتهای خارجی	۷۳

صفحه	عنوان
۷۹	فصل سوم: وضعیت نامطلوب نظامی اقتصادی ایران.....
۸۰	کیفیت تحول در جبهه‌های جنگ.....
۸۴	تقویت توان نظامی عراق و کاهش توان نظامی ایران بر اثر ادامه جنگ.....
۸۸	وضعیت نامطلوب اقتصادی ایران.....

بهره دوم: آمریکا و جنگ ایران و عراق

۹۶	فصل اول: سیاست آمریکا در دوران پیش از شروع جنگ تحمیلی.....
۱۰۴	فصل دوم: سیاست آمریکا در دوران جنگ تحمیلی.....
۱۰۵	بخش اول: دوران ریاست جمهوری کارتر.....
۱۰۵	- اعلام موضع بی طرفی.....
۱۰۹	- دیپلماسی تحبیب.....
۱۱۳	بخش دوم: دولت ریگان و جنگ ایران و عراق.....
۱۱۴	- پیروزی ایران و حضور بیشتر آمریکا در منطقه.....
۱۱۷	- مواضع آمریکا از فتح خرمشهر تا فتح فاو.....
۱۲۱	- مواضع آمریکا از فتح فاو تا پایان جنگ.....
۱۲۷	- جنگ نفتکشها.....
۱۳۱	- درگیریهای ایران و آمریکا در خلیج فارس.....
۱۳۶	- تلاشهای دیپلماتیک آمریکا در جهت پایان جنگ.....
۱۴۲	- نتیجه گیری.....
۱۴۸	منابع و مأخذ.....

مقدمه

طرح مسأله

از ۱۰ اوت ۱۹۲۰ (۱۹ مردادماه ۱۲۹۹) که دولت انگلستان به علت منافع خاص خود کشوری به نام عراق از متصرفات امپراطوری عثمانی تشکیل داد و از ۱۳ اکتبر ۱۹۳۲ (۱۱ مهرماه ۱۳۱۱) که دولت انگلستان موافقت کرد با دادن استقلال ظاهری، از قیمومیت بر آن کشور دست بردارد، دولت‌های عراق عموماً با ایران رفتاری بدخواهانه و گاهی نیز دشمنانه داشتند. البته از نقطه نظر عراقی‌ها و بویژه دولت عراق قضیه برعکس است.

عراق همسایه غربی ایران است و ۱۱۸۰ کیلومتر با کشور ما مرز مشترک دارد. این مرزها پس از بوجود آمدن عراق، اغلب ناامن و به علت اختلافات مکرر دو کشور، باعث نگرانیها و برخوردهایی بین دو کشور شده است. مهمترین مسأله مورد اختلاف دو کشور نیز ارون درود (شط العرب) بوده، که به شدت مناسبات دو کشور را طی دورانهای مختلف تحت الشعاع خود قرار داده است.

با تشکیل پیمان بغداد و پس از اینکه دو کشور ایران و عراق در سال ۱۹۵۵ به عضویت این پیمان درآمدند به نظر می‌رسید که زمینه مناسبی برای حل و فصل اختلافات بین دو کشور بوجود آمده است، اما اختلافات دو کشور همچنان پابرجا بود. با وقوع کودتای افسران در ژوئیه ۱۹۵۸ (تیرماه ۱۳۳۷) در عراق، فصل نوینی در تاریخ اختلافات دو کشور گشوده شد. پس از کودتای عبدالکریم قاسم در ژوئیه ۱۹۵۸ اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک بین ایران و عراق شدت یافت و این مسأله بر پیچیدگی اختلافات مرزی افزود و هرگونه امیدی را برای حل و فصل اختلافات دو کشور از میان برد. با سقوط عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۳، یک دوره آرامش نسبی در روابط ایران و عراق بوجود آمد که تا سال ۱۹۶۸ (یعنی مدت پنج سال) ادامه داشت.

پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ (تیرماه ۱۳۴۷)، در سال ۱۹۶۹ دولت عراق ادعاهای سابق خود بر ارون درود را تکرار کرد و بحرانی را در روابط دو کشور

بوجود آورد. روابط به دنبال مخالفت ایران با پرداخت عوارض به عراق در سال ۱۹۶۹ تیره شد. همچنین با اعلام تصمیم بریتانیا مبنی بر خروج نیروهای آن کشور از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، برجاه طلبی های دو دولت ایران و عراق در منطقه و بر اختلافات دیرینه دو کشور افزوده شد. در سال ۱۹۷۱ با اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، دولت عراق روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد و اعلام داشت که این جزایر متعلق به اعراب است. به این ترتیب دولت عراق مطامع توسعه طلبانه اش را به تمام سواحل جنوبی ایران در خلیج فارس گسترش داد.

طی سالهای ۷۴-۱۹۷۳ (۵۳-۱۳۵۲) برخوردهایی در مرزهای دو کشور روی داد که مهمترین آن برخورد معروف به «یکشنبه خونین» در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۲ بود. در سال ۱۹۷۴ ایران و عراق در مورد سه موضوع عمده با یکدیگر اختلاف پیدا کردند: اول آنکه جمعیت کرد عراق که در مناطق کوهستانی شمال شرقی آن کشور و در طول مرزهای ایران و ترکیه تمرکز داشتند علیه دولت عراق قیام کرده بودند. دولت شاه به کردهای عراق اجازه داد که جهت ادامه جنگ چریکی علیه ارتش عراق مجهز شوند. دوم، ناحیه مرکزی بین دو کشور (از خانقین تا بصره در خاک عراق و به مساحت ۱۳۰ مایل) هنوز اختلاف برانگیز بود. کمیسیونی که قرار بود مرز را طبق شرایط پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه علامت گذاری کند و همانطور که ایران و عراق اعلام نمودند مورد توافق طرفین قرارگیرد کار خود را به پایان نرساند. درگیریهای ۱۹۷۴ در این محل اتفاق افتاد. سوم، موضوع همیشگی حاکمیت براروند رود بود. سرانجام پس از کش و قوسهای فراوان، دو کشور به موجب عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر به اختلافات خود پایان دادند. پس از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵، روابط بین ایران و عراق بطور پیگیر بهبود یافت. اما این روابط به ظاهر حسنه و گرم دیری نپائید. با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه، روابط دو کشور ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شد. از یک طرف مسائل ناشی از گروگانگیری و تصرف سفارت آمریکا در تهران و انزوای سیاسی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران در جهان و از طرف دیگر

حقارت تحمیل شده به عراق و شخص صدام حسین در قرارداد ۱۹۷۵ و آرزوهای وی در سیادت بر منطقه و جهان عرب زمان حمله به ایران و عامل تجاوز را معین کرد.

در سال ۱۹۸۰ دول بغداد و تهران در مسیرهای مختلف حرکت می‌کردند. در هشت ماه اول سال ۱۹۸۰ انفجار یک رشته بمب در عراق موجب گردید که مقامات عراق گروههای مورد حمایت ایران را مسئول قلمداد نمایند. پس از آنکه طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق، در روز اول آوریل از حادثه‌ای در دانشگاه «المستنصریه» جان سالم بدر برد، عراق دهها هزار مقیم ایرانی الاصل را از آن کشور اخراج کرد. در تابستان اتفاقاتی در طول مرز رخ داد. عراقی‌ها مدعی بودند که رژیم جدید ایران پس از سرنگونی شاه نواحی اشغالی در طول مرز زمینی را تخلیه نکرده است و رژیم جدید حمایت نظامی از شورشیان کرد را از سر گرفته و مداخله وسیع در امور داخلی عراق را آغاز کرده است.

در اوایل سپتامبر، عراق با توسل به نیروی نظامی نود مایل مربع از سرزمینی را که ادعا می‌نمود ایران باید بر طبق مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به عراق بازگرداند، تصرف کرد. بدین سان پس از مقدمه‌چینی‌های لازم، سرانجام در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰، صدام حسین رئیس جمهور عراق اعلام کرد که عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر بی اعتبار می‌باشد زیرا ایران به تعهدات مندرج در قرارداد عمل نکرده است و تسخه‌ای از آنرا در برابر تلویزیون پاره کرد. چند روز بعد در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹) نیروهای زمینی و هوایی عراق حمله همه جانبه و از پیش سازماندهی شده وسیعی را در سرتاسر مرز به خاک جمهوری اسلامی ایران صورت دادند و جنگی خانمانسوز را به دو ملت ایران و عراق تحمیل کردند که به مدت ۸ سال بطول انجامید.

بلافاصله پس از شروع جنگ اقدامات و تلاشهای بین‌المللی جهت فرونشاندن آتش جنگ بین دو کشور ایران و عراق به اجرا درآمد. شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ یعنی سه روز پس از شروع جنگ، اولین بیانیه خود را در مورد وقوع جنگ صادر کرد. در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ شورای امنیت به اتفاق آراء قطعنامه شماره ۴۷۹ را

به تصویب رساند. این قطعنامه خواستار آتش‌بس و نه عقب‌نشینی نیروها شده بود. این قطعنامه دستاوردی بدنبال نداشت و جنگ همچنان ادامه یافت. در این دوران عملکرد شورای امنیت در قبال جنگ بسیار ضعیف بود و با اینکه صلح و امنیت بین‌المللی در این منطقه از جهان به مخاطره افتاده بود، ولی اقدام شایان توجهی که درخور شأن و جایگاه این شورا باشد صورت نپذیرفت. اعضای دائمی شورا پس از عدم توفیق در همکاری، ابتکار عمل برای پایان دادن به جنگ را به عهده دبیرکل واگذار کردند. دبیرکل سازمان ملل در اجرای تصمیمی که در بیانیه ۵ نوامبر ۱۹۸۰ شورای امنیت فید شده بود، تصمیم گرفت نماینده‌ای از طرف خود برای انجام مذاکره با ایران و عراق و پایان دادن به جنگ اعزام دارد. وی اولاف پالمه نخست‌وزیر سابق سوئد را برای انجام این کار برگزید. نماینده منتصب دبیرکل با جدیت به میانجیگری مشغول شد و پنج بار از تهران و بغداد دیدن نمود و مذاکرات مفصلی با مقامات دو کشور بعمل آورد که آخرین آن در ماه مارس ۱۹۸۲ بود. اولاف پالمه از اقدامات و تلاشهای خود نتیجه‌ای بدست نیاورد و در اول مارس ۱۹۸۲ گزارش عدم موفقیت خود را به دبیرکل ارائه داد.

همزمان گروههای دیگری از میانجیگران من جمله کمیته صلح سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش غیرمتعهدها، و برخی از شخصیت‌های سیاسی مانند یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین، شاذلی بن جدید رئیس‌جمهور الجزایر و بن‌یحیی وزیر امور خارجه الجزایر که جانش را در راه میانجیگری و برقراری صلح میان ایران و عراق از دست داد، نیز وارد میدان گردیدند ولی آنها موفق به توقف جنگ و یا کاهش عواقب آن نشدند.

پس از عقب راندن نیروهای عراقی از خاک ایران و شدت یافتن و تداوم جنگ، این مسأله مجدداً در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲، شورا با تصویب قطعنامه ۵۱۴ خواستار آتش‌بس و عقب‌نشینی فوری نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی شد (شورای امنیت هرگز چنین قطعنامه‌ای را به هنگام حضور نیروهای عراقی در خاک ایران تصویب ننمود).

بدنبال حملات نظامی ایران به عراق، در ۴ اکتبر ۱۹۸۲ شورای امنیت قطعنامه ۵۲۲ را که فقط تکرار نکات مهم قطعنامه ۵۱۴ بود و از تمایل یکی از طرفین (عراق) برای اجرای آتش بس استقبال می نمود تصویب کرد. ایران به دلیل لحاظ نشدن نظرات و خواسته های خود، دو قطعنامه آخر شورای امنیت را نادیده گرفته، همچنان بر اهداف خود در جنگ تأکید می کرد.

هیئت صلح سازمان کنفرانس اسلامی به سرپرستی وزیر امور خارجه سنگال در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۲ که همزمان با وقفه بین دو حمله ایران و عراق بود از تهران دیدن کرد ولی دستاوردی به همراه نداشت. در ماه مه ۱۹۸۳، وزرای خارجه کویت و امارات متحده عربی به منظور ارائه طرح میانجیگری شورای همکاری خلیج فارس به تهران و بغداد سفر کردند. در ماه اوت ۱۹۸۳، شینتاروآبه^(۱) وزیر امور خارجه ژاپن، از ایران و عراق خواست که مناقشه را حل و فصل کنند. این تلاشها و کوششهای بین المللی که در جهت تحقق صلح صورت می گرفت همچنان بی ثمر ماند و راه به جایی نبرد.

به دنبال ادامه حملات ایران و در واکنش به آن شورا در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ قطعنامه ۵۴۰ را تصویب کرد. این قطعنامه خواستار میانجیگری دبیرکل، محکومیت نقض قوانین بین المللی ناظر بر حقوق انسانها بویژه کنوانسیونهای ۱۹۴۸ ژنو، تأکید بر حق کشتیرانی و تجارت آزاد در خلیج فارس و تحقق آتش بس بود. دبیرکل مجدداً تماسهای خویش را با طرفین مناقشه آغاز کرد ولی این تلاشها نتایج مثبتی به همراه نداشت.

به دنبال تشدید درگیریها و شروع جنگ نفتکشها، شورای امنیت در اول ژوئن ۱۹۸۴ با تصویب قطعنامه ۵۵۲ خواستار پایان یافتن حملات به کشتی هایی که به مقصد کشورهای غیرمتحارب و یا از اینگونه کشورها به حرکت درآمده اند گردید و حملات به

نفتکش‌ها را محکوم کرد.

در مارس ۱۹۸۵ فعالیتهای دیپلماتیک دوباره شروع شد. در این مرحله خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل بدون دستورالعمل و حمایت شورای امنیت به ابتکاری دست زد که از اختیارات اصلی و مستقل وی به عنوان دبیرکل نشأت می‌گرفت. در ۲۶ مارس وی بطور جداگانه با نمایندگان ایران و عراق در نیویورک گفتگو کرد و مجموعه‌ای از پیشنهادهای را به نام «طرح هشت ماده‌ای» به هریک از طرفین ارائه داد. دبیرکل پس از بازدید از دو کشور به اعضای شورا گفت ایران جنگ را فقط به شرط دریافت غرامت و محکومیت عراق به عنوان متجاوز متوقف خواهد ساخت. مواضع طرفین تغییر نکرده بود و در سیر حوادث و تحولات، طرح هشت ماده‌ای دبیرکل برای خاتمه جنگ راه به جایی نبرد.

در اواخر سال ۱۹۸۵ و با شروع دور دیگری از جنگ هیچ نشانه‌ای که حاکی از بهبود وضعیت باشد به چشم نمی‌خورد. بدنبال انجام یک سلسله عملیاتها از سوی ایران و تصرف بندر مهم و استراتژیک فاو، شورای امنیت به درخواست عراق و سایر اعضای گروه هفت نفری اتحادیه عرب تشکیل جلسه داد و جلسات شورا به مدت دو هفته به طول انجامید. به هر صورت طرح قطعنامه‌ای که در اصل توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شده بود با تغییراتی در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵۸۲) به تصویب رسید. یکی از نکات جدید این قطعنامه تحقیق در مورد اقدامات اولیه‌ای بود که باعث وقوع جنگ گردید. این قطعنامه مورد پذیرش و استقبال ایران قرار نگرفت و بی‌اثر ماند، لیکن شورا به اقدامات خود ادامه داد.

شورای امنیت در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۶ قطعنامه ۵۸۸ را تصویب نمود. ولی این قطعنامه نیز سرنوشتی مشابه قطعنامه‌های قبلی پیدا کرد، با این تفاوت که زمینه‌های لازم برای صدور قطعنامه ۵۹۸ آماده می‌شد.

به موازات برتری ایران در جبهه‌های جنگ، در صحنه بین‌المللی فشار بسیار